

کتاب عجائب البلدان

در شماره (۱) صفحه ۱۲ مجله شریفه شرحی بقلم دانشمند سترك واستاد بزرگ آقاي مالك الشعراء بهار در خصوص امير الدين مسعود نگاشته شده بود و ضمناً راجع بكتاب عجائب البلدان چنین مرقوم فرموده بودند :

«تأسف دیگر اینکه این نسخه که شاید منحصر بفرد باشد ناتمام است و قسمتی که شاید زیاد هم بوده است از وی افتاده و از بین رفته است» چون يك نسخه خطی از کتاب مزبور در نزد اینجانب موجود است لازم دیدم برای استحضار خاطر عالی ایشان و سایر قارئین معظم بشرح آن پردازم : نسخه ای که در نزد اینجانب است شامل دو کتاب است بطول ۲۴ و عرض ۱۴ سانتیمتر و قطر آن ۳ سانتیمتر است

کتاب اول عبارت است از جلد هفتم روضة الصفا تألیف محمد بن خاوند شاه یامیر خواند

مزایای این نسخه بانسخ چاپی این است که اولاً در مقدمه کتاب قریب ۳ صفحه اضافه بر نسخه چاپی دارد این قسمت شامل شرح حال سلطان حسین میرزا بطور فهرست و اختصار و ذکر وزرا و رجال بزرگ دربار اوست ثانیاً در وسط کتاب ترجمه حال بعضی از مشاهیر و شعرا و عرفا و خطاطین نیز اضافه شده است که ۲۴ صفحه میباشد برائے نمونه شرح حال چند نفر از فضلا را نقل مینماید :

« مولانا معین الدین اسفراینی - عمده مترسلان زمان خود و از حسن خط نسخ تعلیق بهره تمام داشت و اکثر اوقات همت بر تعلیم قواعد آن فن میگماشت و از جمله مؤلفاتش تاریخ بلده هرات و ترسای مشتمل بر منشآت

و مکتوبات در میان مردم مشهور است و از اشعارش این مطلع بر السنه و افواه مذکور :

نه سرمه است آنکه می بینی بچشم هر پری بیکر

که از غوغای چشمش میکند خاک سیه بر سر

۲ - مولانا عبد الله هانفی خواهر زاده مولانا عبد الرحمن جامی بود

در نظم مثنوی از سایر شعرای آن زمان در میدان امتحان گوی تفوق میر بود

و اکثر کتب خمسه شیخ نظامی را مانند لیلی و مجنون و خسرو و شیرین

و هفت پیکر تتبع کرد و در برابر اسکندر نامه تیموری بنظم آورد و افتتاح

نظم فتوحات نواب کامیاب شاهی نیز نمود اما توفیق انعام نیافت و در محرم

سنه سبع و عشرين و تسعمائه بهالم آخرت شتافت ، حبیب الله معرف که بفصاحت

بیان و طلاقت لسان متصف است در تاریخ وفات آنجناب گوید :

از باغ دهر هانفی خوش کلام رفت سوی ریاض خالد بعد عیش و صد طرب

جان داد و روبرو ضیاء کرسول و گفت روحی فدک ای صنم ابطحی لقب

رفت از جهان کسیکه بود لطف طبع او آشوب ترک و شور عجم فتنه عرب

تاریخ فوت او طابیدم ز عقل گفت از شاعر شهان و شه شاعران طلب

تاریخ نوشتن این کتاب در خاتمه آن بدین طریق ثبت است : فی شهر

شوال المکرم سنه ۱۰۳۲ بطورے که شرح حال خود محمد بن خداوند شاه

در ضمن این ۴۲ صفحه بقم فرزندش نگاشته شده معلوم میشود که این

قسمت اضافی را تمام فرزندش زیاد نموده و در نسخ چاپی نیست .

کتاب دوم مجموعه ایست شامل شرح دریاها دریاچه ها ، جبال ، چشمه ها ،

جاده ها صفت شهرها و اقالیم سبعه و مخصوصاً ذکر عجایب ختای بطور مفصل

و در ضمن شرح حال شیخ الرئیس ابن سینا و فارابی و حکایاتی راجع بامام

فخر رازی و غیره .

متأسفانه این کتاب نه اول دارد و نه نمره که معلوم شود چند صفحه از اول آن نیست و صفحه اول این نسخه ناقص چنین شروع میشود : فی جانب النصبین قوم علی شکل الانس اما شعر هم کشر القرده و یطیرون من شجر الی شجر دیگر در حوالی ترکستان موضعیت مشتمل بر اشجار کثیره که جماعتی در آنجا توطن دارند و اگر یکی از ایشان بیمار شود بر سر کوهی که در آن حوالی واقع است خود را برسانند و بعد از وصول اگر باران بر آن بیمار بارد فی الحال از آن مرض شفایابد و الا در آن بیماری بمیرد. الخ ابن مجموعه بدین طریق خاتمه مییابد : (تمام شد کتاب عجایب البلدان به تاریخ یوم الخمیس ۲۸ شهر رجب المرجب سنه ثمان و عشرين و الف الهجریه) در شماره های آینده قسمتهائی که قابل توجه است از آن کتاب انتخاب و برای درج گرامی نامه تقدیم خواهم نمود

مشهد : (پروین گمنابادی)

ارمغان - آقای میرزا محمد خان پروین از شام گردان با فضل ادیب نشابوری و خود آثار و مقالات بهترین معرف مقام و فضل اوست

